



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

استطاعت در اندیشه ما



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار در اندیشه ها

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انتظار در اندیشه ها
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	سخن ناشر
۱۵	مقدمه
۱۸	انتظار، در کلام الهی
۱۹	انتظار، در سخن پیامبر
۲۰	انتظار در اندیشه بزرگان
۲۰	انتظار، در اندیشه ابن سینا
۲۱	انتظار، در اندیشه خواجه نصیر طوسی
۲۲	انتظار، در اندیشه اسدی طوسی
۲۳	انتظار، در اندیشه خواجه حافظ شیرازی
۲۴	انتظار، در اندیشه شیخ عطار نیشابوری
۲۵	انتظار در اندیشه معاصران
۲۶	انتظار، در اندیشه امام خمینی
۳۳	انتظار، در اندیشه آیه الله طالقانی
۴۲	انتظار، در اندیشه علامه طباطبائی
۴۴	انتظار، در اندیشه علامه محمد تقی جعفری
۴۷	انتظار، در اندیشه استاد محمد تقی شریعتی
۴۹	اهمیت اعتقاد به مهدی موعود و خصوصیات و صفات او
۵۲	انتظار، در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری
۵۳	انتظار ویرانگر

۵۴	انتظار سازنده
۵۵	مشخصات انتظار بزرگ
۵۷	انتظار، در اندیشه دکتر علی شریعتی
۶۷	انتظار، در اندیشه آیه الله شهید محمد باقر صدر
۷۰	انتظار؟
۷۰	انتظار، آفاق مقاومت
۷۱	انتظار، دعوت به حماسه و اقدام
۷۱	انتظار، نام قائم و قیام
۷۲	انتظار، ابعاد عقیدتی مکتب
۷۵	انتظار، ابعاد عملی مکتب
۷۷	انتظار، دوران تکلیف حساس
۷۷	انتظار، نگرهبانی ایمان
۷۹	انتظار، عدل و احسان
۷۹	انتظار، شناخت و موضع
۸۱	انتظار، تمرین و ریاضت
۸۱	انتظار، بسیج عمومی
۸۲	انتظار و ضد انتظار
۸۵	درباره مرکز

انتظار در اندیشه ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: انتظار در اندیشه ها / جمعی از نویسندگان

مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۷۸

شابک: ۹۶۴-۷۴۲۸-۰۹-۲۵۰۰-۰۹-۲۵۰۰Xریال؛ ۹۶۴-۷۴۲۸-۰۹-۲۵۰۰-۰۹-۲۵۰۰Xریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: مهدویت -- انتظار

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - .

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ / الف ۶۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۲۴۰۵۷

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

فهرست مطالب

تصویر

۵.jpg

ص: ۵

تصوير

jpg.6

ص: 6

«بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام» که با همت برخی نیکوکاران فرهنگ دوست، و دین باور تأسیس شده است، در نظر دارد برای رشد شناخت و آگاهی نسل جوان، مقاله ها و کتابهایی در موضوع حیاتی امام موعود علیه السلام و آینده زندگی انسان بشر منتشر کند. و در گامهای نخست از آنچه اندیشمندان گفته و نوشته اند، بهره می گیرد و فشرده ای از گفته ها و اندیشه های آنان را گرد می آورد و عرضه می کند، و در گامهای بعد به کارهای تحقیقی جدیدی دست خواهد زد، و در این راستا به نوآوریهای نیز خواهد پرداخت.

در راه این هدف والا و حیاتی، نخستین رساله به نسل آگاه و دانش دوست تقدیم می شود، امید که بینایی و آگاهی جامعه ما روزافزون گردد. به ویژه جوانان با شناخت بیشتری به این موضوع بنگرند، و به آینده نیک و انسانی و سرشار از دادگری و روشن بینی امیدی آگاهانه، و انتظاری راستین، داشته باشند. و با هر گونه دلسردی، بریدگی، ناتوانی، بدبینی و سرخوردگی بستیزند، و همه شور و نشاط و پویایی زندگی جوانی را، در راه تعالی و تکامل و خودسازی و جامعه سازی، سرمایه

گذاری کنند. و خود و جامعه را برای جهش بزرگ و تحوّل بنیادین انقلاب جهانی مهدوی آماده سازند، و از منتظران راستین سامان یابی کار بشریت مظلوم باشند. و هرگونه تردید، ابهام و گمانی را از دل بیرون برانند، و قاطع و استوار باشند، و احساس و باورمندی و خوش بینی را در خویش زنده نگاه دارند، و به جامعه و نسل جوان، نیرو، گرمی، امید و روحیه شکست ناپذیری ببخشند.

در پایان یادآوری این نکته نیز سودمند می نماید که نیکوکاران و متمکنان جامعه ما کارهای فکری و فرهنگی را کم نگیرند و برای تأمین خوراک فکری و معنوی جامعه گامهای بلند و استوار بردارند. آنان که برای جشنهای میلاد امام مهدی علیه السلام مبالغ زیادی هزینه می کنند و به امور ظاهری و احساسی دل خوش می دارند، برای رشد شناخت و تعالی آگاهی جامعه نسبت به این موضوع حیاتی نیز لازم است سرمایه ای دوچندان هزینه کنند، که انسان بر پایه فکر و شناخت استوار است. و آینده از آن کسانی است که در بُعد معرفت دینی و اجتماعی، بیشتر ساخته شده باشند و در برابر موج تهاجم فرهنگی استوار و تزلزل ناپذیر بایستند، و فرهنگ درست انسانی را که بر اساس ایمان راستین و نگرش هدفمندانه و خردمند به هستی و جامعه شکل گرفته است؛ به جهانیان ارائه کنند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): افضل العباده انتظار الفرج

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانان نشان کویت

گفتا نشان چه پرسی آن کوی بی نشان است

مجموعه ای را که پیش روی دارید، عصاره برداشت ها و دیدگاه های اندیشمندان و فرهیختگان علوم اسلامی است در باب انتظار. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن اشاره به گوشه ای از آن تعاریف و تعابیر، اندیشه فعال شما خواننده گرامی را با این مضمون متعالی و انسان ساز و امید بخش آشنا تر و به این مهم معطوف نمائیم.

انتظار و منتظر بودن امری است مسلم که در تمامی ادیان آسمانی و

سایر فرق از آن صحبت به میان آمده و به انحاء مختلف این مسئله مورد تأمل قرار گرفته و از آن به زبان های گوناگون بحث به میان آمده است، آنگونه که فوتوریسم یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی نمونه ای از آن می باشد که در کیش های آسمانی یعنی جودائیسیم (یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس) و بطور کلی در میان مدعیان نبوت به مثابه یک اصل مسلم و قابل قبول مطرح می باشد.

از دیدگاه ما نیز همان گونه که بزرگان علوم اسلامی اشاره کرده اند، اصل مسأله انتظار از سه سرچشمه قرآن، سنت و عترت نشأت گرفته است.

جا دارد با اشاره ای گذرا به چند دیدگاه مطرح شده در خصوص مسئله انتظار اشاراتی هر چند مختصر در این مورد داشته باشیم.

برخی از علما معتقدند انتظار واقعی روح را امیدوار و از پوچی می رهاند و بسیج عمومی مؤمنان است برای اصلاح ساختار جامعه مورد رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام.

تعدادی از اندیشمندان بر این عقیده اند که انتظار همانا دیده دوختن به راه تحقق امری است که منتظر را به حالت انتظار واداشته و هر چه این معنا در نظر مهمتر باشد برای تحقق آن بیشتر تلاش می کند.

در جمع بندی چکیده نظرات ارائه شده، انتظار عبارتست از:

امری سازنده و تمرین جهت تعالی روح و اندیشه و اعتقادی ژرف به ظهور منجی و نگاهبانی برای ایمان انسان ها از سستی و یأس و دریچه ای است امیدوار کننده به سوی اجرای فرامین الهی در جهت تحقق اهداف قرآن و عترت و دارویی برای محرومان و مصلحان در انتظار آن یار دور از نظر که از فطرتی الهی برخوردارند.

امید آن که به مصداق آیه کریمه «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون» هر چه سریعتر با ظهور منجی عالم بشریت و ذخیره الهی صالحان به جایگاه حقیقی خویش که همانا فرمانروایی و تکیه زدن به مسند خلیفه الهی است نایل گردند.

بامید آن روز

ص: ۱۱

«وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِن قَبْلِهِمْ وَلَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعِيدٍ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ» (۱).

خداوند به دین باوران مسلمانی که کارهای شایسته و نیک انجام دهند، وعده داده است که به طور حتم آنان را فرمانروایان زمین گرداند... و زمینه لازم برای حکومت دین در جامعه و نفوذ آیین خداپسندان را برایشان فراهم آورده، و امنیت و آرامش را جایگزین ترس ها و نگرانی ها سازد...

ص: ۱۲

«أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِي يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَىٰ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلٍ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ (۱)، يَقْسِمُ الْمَالَ صَحَاحًا» فقال له رجلٌ: «مَا صَحَاحًا؟»

قال: «بِالتَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ» (۲).

شما را به مهدی مژده می‌دهم، آن‌گاه که مردمان با هم اختلاف یابند و ناامنیها و دل‌نگرانی‌ها آنان را در بر گیرد، بپا می‌خیزد، و عدل و داد را در دنیایی که آکنده از ظلم و ستم گشته، می‌گستراند. و اموال (داراییها و امکانات اقتصادی) را به طور مساوی بین همه تقسیم می‌کند، (و این چنین است که) اهل آسمان و ساکنان زمین از او خوشنود می‌شوند.

ص: ۱۳

۱- [۱] تا این قسمت از حدیث را در مآخذ متعدد دیگری از تشیع و تسنن، می‌توان یافت، از جمله: کتاب الغیبه / ۱۷۸، کنز العمال ۱۴ / ۲۶۱، تفسیر الدر المنثور ۶ / ۵۷.

۲- [۲] بحار ۸۱: ۵۱؛ مسند احمد حنبل، ۳: ۳۷.

انتظار در اندیشه بزرگان

انتظار، در اندیشه ابن سینا

«هر کسی، علاوه بر آنچه (درباره امام و خلیفه) گفته شد، دارای خواص پیامبری باشد، چنین کسی ربّ النوع انسان تواند بود... و امور بندگان خدا به دست او سپرده تواند شد. و اوست فرمانروای جهان خاکی، و همو خلیفه است در زمین»^(۱).

ص: ۱۴

۱- [۱] خورشید مغرب / ۱۵۹ به نقل از «الشفاء» پایان الهیات.

«نزد خردمندان روشن است که لطف الهی (پس از فرستادن پیامبر)، منحصر است در تعیین امام (تا مردمانی بی راهبر و مربی و معلم نمانند و کتاب و سنت، شارحی لایق و مطمئن داشته باشد...)» و وجود امام _ به خودی خود _ لطف است از سوی خداوند. و تصرف او در امور (و حضور اجتماعی و تشکیل حکومت اسلامی و نشر تربیت قرآنی به وسیله او) لطفی دیگر است. و غیبت او مربوط به خود ما است».^(۱)

ص: ۱۵

۱- [۱] خورشید مغرب / ۱۵۹ به نقل از «کشف المراد».

انتظار، در اندیشه اسدی طوسی

ره دین بیاب از خرد چون سزاست

که گیتی بدین ایستادست راست

از این پس نباشد پیمبر دگر

به آخر زمان (مهدی) آید به در

بگوید خط و نامه کردگار

کند دین پیغمبری آشکار

بدارد جهان بر یکی دین پاک

برآرد ز دجال و خیلش هلاک

رسد از آسمان هر پیمبر فراز

شوند از پس «مهدی» اندر نماز (۱).

ص: ۱۶

۱- [۱] «گرشاسپنامه» مقدمه، چاپ سربی پاریس با ترجمه، کلیمان هوارد به نقل خورشید مغرب / ۱۳۰.

انتظار، در اندیشه خواجه حافظ شیرازی

ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن

قوافل دل و دانش که مرد راه رسید

عزیز مصر به رخم برادران غیور

ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

کنجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید (۱).

ص: ۱۷

۱- [۱] دیوان حافظ از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، انجمن خوشنویسان ایران، پائیز ۱۳۶۳، ص ۱۸۷.

انتظار، در اندیشه شیخ عطار نیشابوری

صد هزاران اولیا، روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی، مهدیم، از غیب، آر

تا جهان عدل گردد آشکار

ای تو ختم اولیای این زمان

وز همه معنی نهانی، جانِ جان

ای تو هم پیدا و پنهان آمده

بنده «عطار»ت ثنا خوان آمده (۱).

ص: ۱۸

انتظار در اندیشه معاصران

امام خمینی (ره)

آیه الله طالقانی

علامه طباطبایی

علامه محمدتقی جعفری

استاد محمدتقی شریعتی

استاد شهید مرتضی مطهری

دکتر علی شریعتی

آیه الله شهید محمدباقر صدر

استاد محمدرضا حکیمی

ص: ۱۹

... مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. (۱).

... برای چنین کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر کسی بجز مهدی موعود علیه السلام... نبوده است. کسی که... عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد حضرت مهدی... است، آن هم نه... عدالت در زمین برای رفاه مردم... بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. اگر انسان هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی،... روحی،... عقلی؛ برگرداندن این انحرافات ایجاد عدالت در انسان است... وقتی... ایشان ظهور کنند... تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد و تمام کجیها را راست می کند. (۲).

ص: ۲۰

۱- [۱] صحیفه نور، ۱۸:۸۸.

۲- [۲] کوثر ۲:۵۹.

این عید سعید ان شاء الله، بر همه مسلمین جهان، مستضعفان عالم و خصوصاً ملت ما، مبارک باد. آنچه که امروز می خواهیم به عرضتان برسانم برداشتهایی است که از انتظار فرج شده است؛ بعضی اش را من عرض می کنم. بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (علیه السلام) را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچون اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (علیه السلام) بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می کردند و نهی از منکر هم می کردند و امر به معروف هم می کردند، لکن همین، دیگر غیر از این، کاری ازشان نمی آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیفهای خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می گذرد یا در مملکت خودمان می گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته ای، مردمی

بودند که صالح بودند.

یک دسته ای می گفتند که خوب، باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند؛ گناه ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته ای از این بالا-تر بودند، می گفتند: باید دامن زد به گناه ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (علیه السلام) تشریف بیاورند. این هم یک دسته ای بودند که البته در بین این دسته، منحرف هایی، هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می زدند.

یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند.

آنهايي که بازبگر نبودند، مغرور بودند بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمي بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، باطل است. آن ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات اشاره دارد که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند، باطل است، حالا- ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب

ص: ۲۲

که تشریف می آورند برای چی می آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند.

ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می کنند؟ حضرت می آیند، می خواهند همین کارها را بکنند. الان دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رای این جمعیت، که بعضیشان بازیگرند و بعضیشان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام. هر کسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می آیند! و هر کسی دعا کند به صدام؛ برای اینکه این فساد زیاد می کند، ما باید دعاگوی امریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می خواهند همین را برش دارند. ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می کند از عدالت؛ نه اینکه شما

دیگر تکلیف ندارید. ما تکلیف داریم که، اینی که می گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد.

اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پر می کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می گوید حکومت نباشد معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!

اما مسئله این است که دست سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست امریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذنب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمان ها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد، این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟

اینهایی که می‌گویند که هر عَلمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این بر خلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چه دارند می‌گویند. اینها تزییق کرده اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، بر خلاف نص آیات الهی رفتار نکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهم‌ها نمی‌دانند چی می‌گویند: هر حکومتی باشد حکومت باطل است! بلکه شنیدم بعضی از اشخاص گفته‌اند که خوب با این وضعی که هست، الان در ایران هست، دیگر ما نباید تهذیب اخلاق بکنیم، دیگر غلط است این حرفها! چیزی نیست دیگر حالا؛ حتما باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند، شرابخانه‌ها همه بازند و عرض می‌کنم که جاهای فساد همه بازند! اگر یک جایی باشد که خوب باشد، آنجا دیگر تهذیب اخلاق لازم نیست، نمی‌شود، باطل است! اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند. بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم پر بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است.

شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن است. تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم؛ چون نمی توانیم بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (علیه السلام) در هر صورت، این مصیبت‌هایی که هست به مسلمان‌ها وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن بهش زده اند، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین است. و باورشان هم آمده است خیلی‌ها. شاید الان هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد، زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب، باطل است؛ یعنی، هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می کنیم تا حضرت بیاید. ان شاء الله، خداوند اصلاح کند اینها را. و امیدوارم که خداوند این روز را بر همه ما، بر همه شما مبارک کند و دست ظالمها را کوتاه کند و قدرت بدهد به ملت‌های مظلوم برای سرکوب کردن ظالم‌ها.

والسلام علیکم ورحمه الله (۱).

ص: ۲۶

۱- [۳] صحیفه نور ج ۲۱ ص ۱۷-۱۳. سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۰۸ مطابق ۱۴ فروردین ۱۳۷۶.

ظهور دولت حق و برقراری عدالت مطلق، مورد انتظار عموم مردم دنیا و از تمایلات فطری است؛ همه میول جسمانی و تمایلات طبیعی انسان برای نتیجه حکیمانه بوده و فوق تشخیص عقل و مصلحت اندیشی است... اسلام که دین ابدی است پایه عقاید و احکام آن بر فطرت است، انتظار ظهور دولت حق و اجرای قوانین حکیمانه میان بشر و پیدایش شخصیت مقتدری که پناه همه مردم باشد مثل همه تمایلات از خواست های درونی انسان است.

... توجه دادن مردم به آینده درخشان و دولت حق، نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی و تأسیس حکومت اسلام، و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و بارزی که مؤسس و سرپرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم عموم مؤسسین ادیان است، و در مکتب تشیع که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است، جزء عقیده قرار داده شده و درباره خصوصیات چنین دولتی توضیحات بیشتری داده و شخصیت زمامداران

را با علامات و نشانه های روشنتری معرفی کرده اند و پیروان خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده و حتی انتظار را از عبادت دانسته اند تا مسلمانان حق پرست در اثر ظلم و تعدی زمامداران خودپرست و تسلط دولت های باطل و تحولات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست... خود را نبازند و دل را قوی دارند و جمعیت را آماده نمایند و متوجه باشند که حق دارای نیروی بس عظیم و قدرت شدیدی است که بالاخره خود را ظاهر می سازد...

همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگهداشته با آن که همه گونه اسباب ظاهری از دست آنها رفته، از هر طرف موجبات تلاشی و مرگ را برای ملت اسلام فراهم کرده اند ولی قدرت معنوی آنها از دست نرفته و نمی رود تا آن روزی که دشمنان از آن می ترسیدند و می ترسند آشکار شود... آن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح قائم به حق و موسس دولت حقه اسلام برده می شود همه بر پا بایستید و آمادگی خود را برای اجرای تمام اوامر و... دستورات بدین وسیله اعلام نمایید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر برای اقامه حق در برابر بدخواهان نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد. این دستور... آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی، و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است....

از خلال احادیث و کلمات بزرگان و پیشوایان اسلام... در مقابل منظر انسان، دنیای باشکوه سرتاسر امن و عدالت هویدا می شود که خیال آن نیز

بسیار شیرین است. از جمله جملاتی از یک خطبه مفصلی درباره مقدمات ظهور و کیفیت این دولت و حکومت موجود است که بسیار جامع و عمیق است.

«منها: يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (۱) هوی و آرزو را براساس هدایت برگردانده و قرار می دهد، همانطوری که اساس هدایت تابع هوی و هوس بوده. آراء شخصی را تابع قرآن می گرداند چنان که قرآن را تابع آراء شخصی کرده بودند.

از این چند جمله امیرالمؤمنین علی علیه السلام معلوم می شود که عموم مردم دارای رشد عقلی و تشخیص صحیح خواهند شد و دستگاہ این حکومت به تربیت عقلی و روحی خواهد پرداخت و در نتیجه تربیت عقلی که برای عموم حاصل خواهد شد، هدف فکری همه یکی می گردد و قوای پراکنده مردم به یک سو متوجه می شود، و حقایق قرآن آنطور که هست، ظهور تام و کامل می نماید: «لیظهره علی الدین کله».

«منها: ... حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَجِدُهَا، مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا، حُلُومًا رِضَاعُهَا عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا. أَلَا وَفِي غَدٍ - وَسَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ الْوَالِي مَنْ غَيْرِهَا عَمَالِهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كِبِدِهَا، وَتُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا، فَيَرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِه وَيَحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» (۲).

ص: ۲۹

۱- [۱] نهج البلاغه خطبه ۱۳۸.

۲- [۲] نهج البلاغه خطبه ۱۳۸.

این جمله خبر از جنگ وحشتناک عمومی می دهد که همه را خواه ناخواه وارد این میدان خونین خواهد کرد. «در حالتی که دندانهای آخرین خود را نمایان کرده و هر دو پستان خود را پر شیر نموده، چون شیر که در حال غضب دهان باز می کند این جنگ نیز با شدت و بی باکی پیش می رود. (پر کردن پستان ها هم کنایه از آمادگی تمام امت از جهت ذخیره و مواد غذایی و جنگی برای ادامه این خونریزی) شیر اولی که به کام می رسد شیرین است ولی عاقبت آن بس زهر آگین و تلخ است». گویا اشاره لطیفی است به فتوحات اولیه که برای دول قوی به دست می آید و کام آنها را شیرین می کند و به جنگ ادامه می دهند ولی چون جنگ طول کشید و مردم به جان آمدند در پایان متوجه خسارت های سنگین جانی و مالی خواهند شد و همه عزادار می گردند.

«هوشیار باشید فردا، در زمان فردا به یقین با خود چیزها خواهد آورد شما به آن آشنا نیستید». امیرالمؤمنین از پشت پرده های زمان با چشم حقیقت بین خود چیزها می دیده، از انقلابات اجتماعی فکری که مردم آن زمان نمی توانستند درک کنند و لغت برای بیانش رسا نبوده. همین قدر بطور اجمال نامی از عظمت اوضاع فردا برده و به آنها اشاره کرده که شما نمی توانید آن چه من می بینم درک کنید. «دستگیر و زندانی می کند آن والی حقی که از غیر آن دولت است، کارفرمایان آن دولت ها را با اعمال زشت و کارهای بدشان».

گویا مقصود محاکمه و بازداشت مؤسسين جنگ و سیاستمدارهای خود

خواه است. «و زمین از هر قسم پاره جگر خود را برای او بیرون می آورد و با تسلیم و بی مزاحمت کلیدهای خود را به سوی او می اندازد». این قسمت بسیار مهم و شایسته است که در این حکومت همه قوای طبیعت بیرون آمده و کلیدهای علوم و صنایع به دست آمده و همه به دست او خواهد افتاد. همان حقایق علمی و اکتشافات که وسیله پیشرفت مقاصد شهوانی و شرافت فروشی بوده وسیله اقامه حق و پیشرفت فضیلت خواهد شد.

«پس به شما مردم خواهد نشان داد که روش عدالت چگونه است و مرده کتاب و سنت را زنده خواهد کرد» و این آخرین مرحله و نتیجه این دولت است که در آن عدالت حقی که همه در آرزوی او بوده عملی خواهد شد و قوانین کتاب خدا و سنت حق در سراسر جهان اجراء و حکومت جهانی حق و عدالت... امام آنگاه ظاهر خواهد شد که افکار عموم مردم به واسطه پیشرفت علوم و تجربه های تلخ مدت بی سرپرستی و فشارهای مردم خودخواه کاملاً مستقر شده و همه به جان آمده و برای پذیرفتن ندای حق آماده اند. ندای ظهور حق برای تأسیس حکومت حق و عدالت، از مکه برخواید خواست چون مکه، اول خانه ای است که ندای توحید از آن جا سرچشمه گرفته و به عالم رسیده، و نمونه کوچک امنیت و حق پرستی است. دعوت دوم که قیام پیغمبر خاتم و پیشوای بزرگ ما است، نیز از آن جا برخاست. ندای سوم که دعوت نهایی اصلاح است از آن جا به وسائلی که هست به همه عالم می رسد.

سیصد و سیزده نفر که اصحاب خاص و هسته مرکزی این تشکیلات

هستند، چون ندا را شنیدند، مانند قطعه های ابر پاییز از اطراف حرکت می کنند و در مدت اندکی در مکه به هم پیوسته می شوند، بعضی شب جای خود را ترک می کنند و صبح در مکه اند، بعضی آشکارا حرکت می کنند و بالای ابر یا در میان ابر سیر می کنند، چون عده آنها کامل شد آغاز اصلاحات از سرزمین ظهور اولی اسلام شروع خواهد شد. با نیروی معنوی و به دست گرفتن وسائل و اسباب طبیعی که در آن روز دنیا البته مهمتر و هولناکتر است، حرکت می کنند و دشمنان را از میان برمی دارند....

... امام رضا علیه السلام... از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم: در وحی معراج، خداوند آخر کار اسلام و ظهور آن را برای من بیان کرد. آنگاه شخصیتی که از ذریه من به دست او عالم اصلاح می شود، توصیف نمود که آخر آن حدیث این چند جمله است:

«لاَ يَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي لَا مَلَائِكَةٌ مُشَارِقَةُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبُهَا وَلَا سَخْرَنَ لَهَا الرِّيحُ وَلَا ذَلَّلَ لَهَا السَّحَابُ الصَّعَابُ وَلَا وَقِيَّتَهُ وَلَا نَصْرَتَهُ بِجُنْدِي وَلَا مَدَنَهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يَعلَنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الخَلْقَ عَلَي تَوْحِيدِي ثُمَّ لَا دَوْمَنَّ مَلَكَهَ وَلَا دَوْمَنَّ الْإِيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». یعنی زمین را از دشمنان خودم به وسیله آخرین آنها پاک خواهم کرد، و او را در مشرق و مغرب زمین، مسلط خواهم نمود، بادها را مسخر او می کنم، و ابرهای سرکش را برای او رام می گردانم، و او را، بالای همه اسباب و وسائل قرار می دهم و به لشکر او را یاری می کنم و به ملائکه امدادش می نمایم، تا دعوت مرا آشکار کند و مردم را به توحید من جمع

کند، آنگاه مُلک او را توسعه می دهد و روزگار دولت در میان اولیاء من دست به دست می گردد تا روز قیامت. پس از آن که دشمنان را از میان برداشت و قوای کفر درهم شکست، عدل و قضاوت صحیح در سراسر روی زمین که چون یک شهر است مستقر خواهد شد و در سایه تربیت و تحت سرپرستی او، عقول و اخلاق کامل و رشد پیدا خواهد نمود.

منابع و ثروت های زیر زمینی استخراج می شود، همه سرزمین ها خرم و آباد می گردد، امنیت سراسر اجتماعات را فرا می گیرد، تا آن جا که مرغ ها در آشیانه ها بی وحشت از مزاحم تخم می گذارند، و ماهی ها در نهرا آسوده زندگی می کنند و در نتیجه تربیت های صحیح اطفال و نوباوگان، حیوانات و طیور از مزاحمت آنها مصون می مانند.

«... فعند ذلك تفرح الطيور في اوكارها و الحيتان في مجارى انهارها و تمد الارض و تفيض العيون و تنبت الارض ضعف اكلها ثم يسير مقدمته جبرائيل و ساقته اسرافيل، فيملا الارض عدلا و قسطا بعد ما ملئت ظلما و جورا...» یعنی چون حکومت او وسعت یافت... آبادی زمین توسعه می یابد، چشمه سارها از هر طرف جاری می شود، زمین بیشتر از مایحتاج عمومی آذوقه مردم را می رویاند، جبرئیل (فرشته علم) در مقدمه دولت او و اسرافیل (فرشته زندگی) در ساقه دولت اوست، یعنی پیشرفت و پیش قدمش «علم» است و اثر و دنبال آن «زندگی و حیات» پس زمین را از عدل و داد پر می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده بدعت ها از میان برداشته می شود، و بدعت گزاران اعدام می شوند، مساجد و معابدی که

برای تظاهر و ریا و حقه بازی ساخته شده و «مسجد ضرار هستند» خراب می کنند، طرق و شوارع را توسعه می دهند.

و در واقع مدینه فاضله ایده آلی بشریت، حکومت خدا بر مردم به دست مردم، عدالت اجتماعی، آزادی، برادری جهانی، هم فکری و همکاری صمیمانه بین تمام مردم روی زمین و... بدین وسیله بر پا می شود، و بدیهی است که در این حکومت جهانی طبق دستورهای اولیه اسلام، سیاست و دیانت یکی بوده و انفکاک ناپذیر خواهد بود و در عین اینکه معنویات قوی و عالمگیر می شود، مادیات نیز مورد استفاده بشر خواهد بود.

... حکومت امام زمان و آینده ای که ما در نظر داریم، یکی از خصوصیاتش این است که حکومت فکر و عقل است، هدایت است، رهبری است،... تحدید هواها و طغیان ها به وسیله هدایت و تنویر عقول و رشد کافی، نخستین کار و انقلابی است که شخصیت عالی آینده انجام می دهد و این هم دو قسمت دارد: قسمت نخست رشد و هدایت کلی و عمومی است برای همه بشر. قسمت بعد هدایت و حاکمیت مشخص قرآن است که همان حاکمیت خدا و مشیت اوست. روشنی عقول و افکار و آزادی از بندهای هواها و شهوات و تمایلات بدانجا می رسد که با هدایت مهدی علیه السلام آیات قرآن مستقیماً بر عقول می تابد و همه را هدایت می کند...

... آن زندگی که مورد انتظار و پیش بینی ما شیعه و ما مسلمین است، آن یک زندگی انسانی است یک زندگی (بی طبقه است). یعنی مسابقه مردم چنین اجتماعی، مسابقه در خیر است، چون دیگر مادیات معنی

ندارد. همه چیز... تأمین شده، احتیاجی نیست. گزینه ثروت اندوزی هم فرض کنیم که یک گزینه نباشد، یک عارضه باشد، از بین رفته که این هم تصورش مشکل است. برای این که بشر حب به آن چیزی که تولید کرده قهرماً دارد.

روی این زمینه ما می گوئیم که همان زندگی عادلانه، همان زندگی مجتمع دنیایی هست، ولی در جهت الهی است... یعنی تعالی انسان ها...

بنابراین مساله مهدویت و آینده بشریت و زندگی ای که مورد امید و انتظار مردم باشد، فطری همه بشر دنیا بوده، منشأ همه انقلاب ها شده، بخصوص در اسلام بخصوص در شیعه جزء عقاید شیعه است، مثل مسأله عصمت، مسأله امامت، مسأله مهدویت و انتظار مهدویت از خصایص شیعه است. و این خصوصیت بوده که شیعه را همیشه در جهت حرکت انقلابی قرار داده است.

... بنابراین... دولت جهانی ولی عصر، حکومت خدا، به رهبری ولی خدا و همکاری مردان خداست با فراهم شدن اسباب طبیعی و استعدادهای فکری و اجتماعی، همه وسائل و اسباب دست به هم می دهد و امدادهای الهی هم کمک می کند. (۱).

ص: ۳۵

۱- [۳] خلاصه ای از کتاب آینده بشریت از نظر مکتب ما، مجاهد نستوه آیت الله طالقانی.

علامه طباطبائی ذیل آیه «وعدالله الذین آمنوا... لیستخلفنهم فی الارض...» (۱) می گوید:

این آیه وعده... زیبایی است... خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایشان برپا می دارد که به تمام معنا صالح باشد، و از ملکه کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برند و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، در امنیت زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی و خارجی نداشته باشند. این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا... تاکنون چنین جامعه ای به خود ندیده است،

ص: ۳۶

ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی علیه السلام خواهد بود. چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اهل بیت قدس سرهما در خصوصیات آن جناب وارد شده، از انعقاد چنین جامعه ای خیر می دهد... حق این است که... آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی علیه السلام به زودی منعقد می شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. (۱).

ص: ۳۷

۱- [۲] تفسیر المیزان ۱۵/۱۶۸.

آن پیشتاز الهی همانند وجدان کل و احساس انسانیت، هوی را مغلوب هدایت سازد. و آراء و نظریات فاسد را مقهور قرآن.

کیست آن کسی که هوی را مغلوب هدایت می سازد؟

آن کمال یافته الهی و تربیت و تعلیم یافته باغبان هستی است که همه وجدان های ناب بشری به انتظار مقدم او لحظه شماری می کنند، و آن بقیه رسالت و امامت است که برای به ثمر رساندن تلاش های پیشتازان ربانی، تاریکی های شدیدتر از ظلمات دوران جاهلیت را از فضای ننگ آلود تاریخ زدوده و طعم تاریخ انسانیت را برای مردم جوامع قابل دریافت خواهد فرمود. در این روزگار است که حیات انسان ها جوانه می زند و برای به ثمر رسانیدن حکمت وجودی خود، شاخه ها، برگ ها و میوه خود را که قرار گرفتن در جاذبیت کمال ربوبی است، سرسبز و خرم می گرداند.

این انسان کامل که ماهیت هوی و مختصات آن را و همچنین ماهیت هدایت و لوازم و صفات آن را برای همه آدمیان می شناساند و طرق تقویت

اراده را برای مردم تعلیم می نماید تا آن جا که مردم حیات خود را در هدایت و کمال ببینند و مرگ خود را در هوی و هوس. در چنین روزگاری است که احدی از آدمیان به فکر تفسیر و توجیه هواهای نفسانی و شیطانی خود به وسیله کج و منحرف ساختن مفهوم هدایت و مختصات آن نخواهد افتاد... در آن روزهای الهی، چهره نورانی آن انسان کامل، قیافه حقیقی قرآن را روشن خواهد ساخت. آراء و نظریات پیش ساخته که بر مبنای آلودگی های مغزی و تمایلات درونی شکل گرفته اند، توانایی رویارویی با آن قیافه نورانی قرآن را از دست خواهند داد. درون مردم رشد یافته آن دوران، چنان صفاتی خواهد داشت که با رویارویی با قرآن، خود را با فروغ ربانی مواجه خواهند دید... در آن زمان مردم از جمادی بالاتر رفته و به درجه عالی انسانی و روح ملکوتی نائل می گردند... در آن روزهای الهی، فروغی در دل های آدمیان می درخشد که با هر کلمه از کلمات الله و هر آیه ای از آیات الله که رویاروی می شوند گویی خود مخاطب مستقیم آن کلمات و آیات می باشند و آنها را از خداوند سبحان می شنوند. در این موقع است که تاویلات نابجا و نظریات بی اساس درباره قرآن و تفسیر آن، همه و همه از بین می روند، و با ارتباط با کلام الله ناطق انس و الفت حقیقی با قرآن را نائل می گردند. مکتب های ساختگی مخصوصاً آن آراء و تفسیراتی که تحت نفوذ قدرتمندان خودکامه در زمان آل امیه و آل عباس به وجود آمده بود، همگی بی اساس بودن خود را ظاهر می سازند...

به هر حال، مطابق دریافت های وجدانی و حکم عقل سلیم و شهادت

مکتب های انسانی _ الهی و صاحب نظران آگاه از ابعاد وجودی بشر در طول تاریخ، روزی در این کره زمین فرا می رسد که همای سعادت و عدالت بال و پر گشاید و فضای این نیرنگ سرا و میدان تنازع در بقاء را به آشیانه انسان و انسانیت مبدل بسازد. قطعی است آن روز که عنایت الهی مدد کند و عدالت در روی زمین به وسیله دولت جهانی که زمامدارش انسان کامل الهی حضرت حجه بن الحسن علیه السلام خواهد بود، استعدادهای نهانی انسان که در طول قرون و اعصار متمادی، راکد مانده بوده است، به فعلیت در می آید و انسان تعریف حقیقی خود را درمی یابد و علوم انسانی مشکل واقعی خود را پیدا می کند. خداوند سبحان در آن روزگار همه نیروهای روی زمین را در اختیار کسی قرار می دهد که آنها را در مجرای عدالت به ثمر می رساند. (۱).

ص: ۴۰

۱- [۱] ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۴، خطبه ۱۳۸، علامه محمد تقی جعفری.

من ضمن مطالعه در موضوع حضرت ولی عصر _ ارواحنا فداه _ به مطالبی متوجه شده ام که خودم آن را مهم می شمارم، و آن این است که تمام مصلحان بزرگی که رسالتی الهی دارند و باید بر دست مبارکشان اصلاحاتی مهم انجام یابد، زندگانی آنها با امور خارق العاده آمیخته است، مثلاً حضرت ابراهیم، ولادتش و رشدش، و سالم ماندنش با تفتیش شدید و مراقبت عجیب مأموران نمرود، و دیگر کارهایش تا در آتش رفتن و به سلامت بیرون آمدنش همگی اعجازآمیز است. و همچنین حضرت موسی، ولادتش _ علی رغم مراقبت های فوق العاده عمّال فرعون _ و به دریا افکندنش و سالم به دست فرعون افتادنش، و پرورش یافتنش به سرپرستی فرعون، و سایر امور مربوط به آن بزرگوار همه اش خارق العاده است. و حضرت عیسی تولدش از دختر «باکره» بدون پدر، و تکلمش در گهواره تا دیگر کارها و امور مربوط به آن حضرت همگی اعجازآمیز است. در این صورت چرا وقتی نوبت به بزرگترین مصلح جهان می رسد که

اصلاحاتش وسیعتر و عمیق تر از آنها بود، چون و چرا کنیم؟ آری، کیفیت ولادت و رشد آن حضرت، مانند ابراهیم و موسی با مراقبت شدید خلیفه، و گماشتن ده نفر جاسوس به نام طیب و قاضی و خدمتکار بر او به قدرت پروردگار تحقق یافت. طول عمر شریفش نیز یکی از آن خوارق عادات است که در زندگی همه مصلحان بزرگ... فراوان است؛ با این تفاوت که بعضی از خوارق عادات سایرین مانند تولد از باکره، بکلی در جهان بی نظیر است؛ ولی عمر طولانی تر از حد طبیعی، نظایر فراوان دارد که در کتب مربوطه نقل شده و به نص قرآن حضرت نوح نهصد و پنجاه سال در میان قومش درنگ کرد. بنابراین بر مبنای هیچ قاعده و به استناد هیچ قانونی، چه عملی و چه عقلی و فلسفی، منکرین حق تخطئه و رد و انکار اعتقاد به ولی عصر علیه السلام را ندارند...

بر حسب احادیث و روایاتی که از طرق شیعه و سنی - به حدّ تواتر - از آن بزرگوار (پیامبر اسلام) نقل و در کتب معتبر ثبت شده، و حتی کتاب های مخصوصی به قلم اهل سنت در این باره تألیف گردیده، به اضافه این که هیچ گونه مانع عقلی و علمی هم برای قبول آنها نبوده است.

عقیده به ظهور مهدی در آخرالزمان و قیام قائم بقدری مهم و عظیم است که جمیع انبیا به آن خبر داده اند. طبق روایات اسلامی، خداوند به دست مبارک آن بزرگوار اصلاحاتی (بس مهم و جهانی) جاری خواهد ساخت.

اهمیت اعتقاد به مهدی موعود و خصوصیات و صفات او

شما از قرون اولیه اسلام، یک سیر اجمالی در تواریخ بفرمایید و ببینید چگونه بر اثر این عقیده پاک و شریف، ارکان ظلم متزلزل و کاخهای ستم واژگون گردیده است؟

قیام های مردانه بنی هاشم و پیروانشان، مانند محمد نفس زکیه و برادرانش و مختار بن ابی عبیده ثقفی، و دیگر بنی الحسین و بنی الحسن، در برابر بیدادگری ها و استبداد حکام جور از بنی امیه و بنی عباس، و بسیاری از نهضت های مهم دیگر در مقابل دولت های استعمارگر...

تشکیل بسیاری از دولت ها در ممالک اسلامی مانند مصر و ایران نیز زائیده همین اعتقاد است، که نمونه آنها، دولت خوشنام فاطمین در مصر، و ادیسیان در تونس و مغرب، و دولت صفویه در ایران است...

... تصور بفرمایید فرد یا جمعیتی معتقد به امام غایب است که مَثَل او در این عالم مَثَل قلب در وجود آدمی است و از جزئی و کلی امور این جهان درست همچون قلب نسبت به بدن آگاه است. همه روزه اعمال خیر و شر افراد به نظر مبارکش می رسد، از کارهای زشت شیعیان دلگیر و متأثر می گردد، و اعمال شایسته ی آنها او را شادمان می سازد و درباره انجام دهنده اش دعای خیر می کند. اگر فقط یک روز از عمر دنیا بیش نماند حتماً ظهور می فرماید. و جهان را پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه از جور و فساد لبریز شده باشد... او مأمور به شمشیر است، یعنی بدکاران را گردن می زند...

وظیفه شیعه این است که همواره منتظر ظهور باشد و از خدا بخواهد و دعا و ندبه کند. از بزرگترین عبادات همین انتظار است که شبهای قدر، بلکه هر شب جمعه حتی همه شب، این انتظار را داشته و به این امید و نیت به رختخواب رود، و ضمناً خود را آماده یاری آن بزرگوار نماید و علاوه بر ایمان و تقوی و انجام کارهای خیر و اعمال صالحه، باید فنون جنگی را نیز بیاموزد، و نهایت کوشش را به خرج دهد تا در ردیف آن سیصد و سیزده نفر قرار گیرد، عدد اصحاب پیغمبر در غزوه بدر که اسلام را پیروز و کفر را مغلوب ساخت...

حال آقایان محترم و جوانان خوش فهم روشنفکر! از شما انصاف می خواهم که... چنین عقیده ای فرد و جماعتی را چگونه به کار نیک و به دانش و تقوی و ایمان، و اصلاح خود و دیگران، و تهذیب نفس و تقویت نیروهای جسمی و روحی تشویق و تحریک می نماید و از جهالت و سهل انگاری و تبلی و فسق و فجور باز می دارد؟

آیا چه عاملی می تواند از این عقیده در سعادت افراد و اقوام و مؤثرتر باشد؟ مسیو کربن... نکته جالبی را متوجه و متذکر شده است:

«در میان همه ادیان و مذاهب تنها مذهب تشیع مذهبی زنده است؛ زیرا شیعه همواره نظر به آینده دارد، بر خلاف پیروان دیگر ادیان و مذاهب که به گذشته نظر دارند».

... افسوس که مجالی نیست و گرنه من در اینجا روشن می کردم که چه آثار مهمی بر این عقیده بار شده است. پس از رحلت پیغمبر هیچ طایفه و

دسته ای به اندازه شیعه مظلوم نبود و دشمنان نیرومندی همچون حکام مقتدر بنی امیه و بنی عباس نداشت، و پس از آنها حکومت های بعدی در ظلم و اجحاف و کشتارهای بیرحمانه شیعه از اسلافشان در گذشتند، که هر گاه این همه ستم و سختگیری در طول زمان درباره هر ملت بسیار مقتدری شده بود امروز نام و نشانی نداشت. شما کتاب های ملل و نحل را بخوانید و ببینید صدها مذهب و طایفه بمراتب نیرومندتر از شیعه بوده و سال هاست که اثری از آنها نیست و این تنها شیعه است که روز به روز در ازدیاد است. این مقاومت دلیرانه در طول تاریخ و این مبارزات مردانه و مستمر و این فداکاری های عجیب، آنها را زنده نگاه داشت و در نمو و ازدیاد خواهند بود. بزرگترین آرزوی شیعه این است که فرج آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم را دریابد و از اصحاب «امام زمان» باشد، اگر در این آرزو و انتظار مرد به شهادت رسیده و اگر به آن رسید به سعادت ابدی نایل گشته است. (۱).

ص: ۴۵

۱- [۱] سقراط خراسان / ۲۱۹-۲۲۴، محمود اسعدی، با تلخیص.

انتظار، در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق... و عدالت بر نیروی باطل و... ظلم... و استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی...، اندیشه ای است که... همه فرق و مذاهب اسلامی... بدان معتقدند.

این اندیشه... مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکامل تاریخ و اطمینان به آینده... است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی، جهانی و انسانی، در روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده است، و... افضل عبادات... است. اصل انتظار از یک اصل... قرآنی دیگر استنتاج می شود... اصل «حرمت یأس از روح الله»...

مردم مؤمن... هرگز و در هیچ شرائطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند.

انتظار فرج... دو گونه است:

انتظاری که سازنده... تعهد آور... نیرو آفرین و تحرک بخش است... و

انتظاری که ویرانگر... اسارت بخش... و فلج کننده است، و نوعی «اباحیگری»... است.

این دو نوع انتظار... معلول دو نوع برداشت از ظهور... مهدی موعود است. و این دو نوع برداشت... از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می شود. (۱).

انتظار ویرانگر

برداشت قشری... مردم از... قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد... و فقط از گسترش... ظلم ها و تبعیض ها... و حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود... آن گاه که صلاح به... صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد... جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد...

علی هذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا... یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی شود؛ بر عکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و... هر پلیدی... مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند... پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است...

این گروه... به مصلحان و مجاهدان... با نوعی بغض و عداوت

ص: ۴۷

می نگرند. زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور... می شمارند. بر عکس، اگر خود... اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند...

این نوع برداشت از... قیام مهدی موعود و... انتظار فرج... منجر به نوعی تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی می شود و... با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی دهد.

انتظار سازنده

از آیات... و... روایات اسلامی... استفاده می شود که ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهائی اهل حق منتهی می شود. سهمیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد... مهدی... نویدی است... به اهل... عمل صالح... و مظهر پیروزی نهائی اهل ایمان...

ظهور مهدی... منتهی است بر مستضعفان... وسیله ای است برای پیشوا... شدن آنان، و مقدمه ای برای وراثت آنها خلافت الهی را در روی زمین... تحقق بخش وعده ای است که خداوند... در کتب آسمانی به صالحان... داده است...

قیام مهدی، برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند... سخن در این است که گروه سیدها و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار

خود برسند... در روایات... سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور...

به آن حضرت ملحق می شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند... زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که... اهل حق... از نظر کیفیت ارزنده ترین اهل ایمانند.

در برخی روایات... سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی... ادامه پیدا می کند... (۱).

از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود علیه السلام آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است. (۲).

مشخصات انتظار بزرگ

۱. خوش بینی به آینده بشریت

... ریشه فسادها و تباهی ها نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود. آینده ای بس روشن و سعادت... بخش... که در آن شر و فساد از بُن

ص: ۴۹

۱- [۲] همان کتاب / ۶۴-۶۲ و ۶۸-۶۴.

۲- [۳] همان کتاب / ۶۴-۶۲ و ۶۸-۶۴.

برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است.

۲. پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت، بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجل (دجالگری و فریب).

۳. حکومت جهانی واحد

۴. عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نماند.

۵. بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرائز حیوانی.

۶. حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین.

۷. برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت.

۸. منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی از قبیل زنا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدمکشی... و خالی شدن روان‌ها از عقده‌ها و کینه‌ها.

۹. منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.

۱۰. سازگاری انسان و طبیعت. (۱).

ص: ۵۰

انتظار مسأله حساسی است به خاطر این که اساس احساس، اندیشه، و مسؤولیت اجتماعی ما را در بر می گیرد و مهمتر از آن بیش از همه مسائل و اصول اعتقادی که در میان ما مطرح است...

مسأله انتظار را من... نه از نظر روایی و کلامی و فرقه ای، بلکه از نظر اجتماعی و تاریخی و طبقاتی بررسی می کنم. نه اثبات و استدلال و بحث اعتقادی در خود عقیده، بلکه ارزش های انسانی، آثار اجتماعی و نقشی که در تاریخ، جامعه، زندگی، مسؤولیت فردی و طرز تفکر دارد یا می تواند داشته باشد.

اصل انتظار به معنای کلی _ نه انتظار خاص شیعی _ دو نوع است: انتظار منفی و انتظار مثبت. این دو انتظار درست ضد یکدیگرند؛ یکی بزرگترین عامل انحطاط است و دیگری بزرگترین عامل حرکت و ارتقا، یکی تن دادن به ذلت و توجیه «وضع موجود» و دیگری پیش رونده و آینده گرا...

انتظار به این معنی است که گروهی «منتظر» باشند که نجات بخشی خواهد آمد. پس این فکر چهار پایه اساسی دارد:

۱. اسارت، ۲. غیبت، ۳. انتظار، ۴. نجات...

از انتظار و اعتقاد به این که نجات بخشی که اکنون غائب است خواهد آمد و عدالت را مستقر خواهد کرد و بشریت را نجات خواهد داد و حقیقت و عدل و برابری پیروز خواهد شد، به صورت منفیش دشمنان عدالت و عاملین فساد و تبهکاری و کسانی که هیچ مسئولیتی در زندگی شان نمی شناسند و هیچ حدی شرارت و فسادشان را محدود نمی کند استناد می کنند، به این معنا که مردم را قانع و معتقد می کنند که نجات بشر و استقرار عدالت فقط و فقط موکول به ظهور نجات بخش خاص غیبی است، نه هیچ کس و کسان دیگر...

و چنین استدلال می کند که اگر من عدالت را استقرار نمی دهم و اگر قدرتی یا حکومتی ظلم و فساد می کند جبری و طبیعی است، غیر عادی نیست و چون طبیعی است باید پذیرفت که پذیرفتنی است و چون ناگزیر و حتمی است، در برابرش مخالفت و مقاومت ممکن نیست و هر کوشش و فداکاری در راه عدالت و اصلاح عموم بیهوده است، پوچ است... می بینیم که غیبت، با این گونه توجیه از «انتظار منفی» بهترین وسیله است برای کسانی که جنایت و ظلم و فساد و ستم می کنند و دین و مذهب را آلت

ص: ۵۲

منافع گروهی و مادی و سیاسی و معنوی خودشان کرده اند تا به نیابت امام از پیروان او کار بگیرند و برگرده اندیشه و اقتصاد و زندگی و کوشش و فعالیت آنها سوار شوند...

اما همین اصول با همین اعتقادات، یعنی اعتقاد به انتظار، اعتقاد به دوره غیبت و اعتقاد به جبری و حتمی بودن نجات در آخرالزمان، یک رویه متضاد با این رویه دارد که بزرگترین قدرت نفی کننده این عوامل است و مردمی که مجهز به این ایدئولوژی اند نیرومندترین سلاح را برای نابودی فساد و بزرگترین ضربه را برای کوبیدن ظلم و بزرگترین انرژی را برای حرکت به طرف آینده دارا می باشند.

... انتظار، هم یک اصل فکری اجتماعی و هم یک اصل فطری انسانی است، به این معنا که اساساً انسان موجودی است منتظر و هر که انسان تر، منتظرتر، و همچنین جامعه بشری، به معنای اعم، دارای گزینه انتظار است، چه جامعه طبقاتی، چه جامعه ملی و چه جامعه گروهی... هر تمدنی و فرهنگی... معتقد به انقلاب بزرگ و نجات بخش در آینده و بازگشت به عصر طلایی، عصر پیروزی عدالت و برابری و قسط (می باشد)... بنابراین، هم تاریخ به ما می گوید که جامعه ها همواره معتقد به پیروزی قطعی حقیقت و عدالت و آزادی بشریت در آینده اند و هم جامعه شناسی، معتقد است که هر جامعه ای در نهاد خویش این اعتقاد را به

عنوان عکس العمل طبیعی و فطری ساختمان خودش، در توجیه های مختلف دارد...

... انتظار، سنتز تضاد میان دو اصل متناقض با هم است: یکی «حقیقت» و دیگری «واقعیت»... وضع موجود یعنی واقعیتی که در عالم خارج واقع شده است، با حقیقتی که در اسلام، به آن معتقدیم، تناقض دارد، چه بکنیم؟ اسلام انسان را نجات می دهد و عدالت و ترقی را به وجود می آورد.

... چاره ای نیست جز این که پیروان دینی که مدعی نجات و سیادت انسان و توده های محروم و نابودی ظلم و جنایت و مدعی استقرار یک نظام جهانی به نفع انسانند، معتقد باشند که این حقیقت اگر چه در طول این هزار و چهارصد سال نتوانسته به شعارهای خودش جامه عمل بپوشاند، اما خواهد پوشاند و قطعاً پیروز خواهد شد و عدالت جبراً مستقر خواهد گشت و علی رغم این نظام ضد حقیقت که بر اسلام حاکم شد و بر تاریخ نیز حاکم است و رنجی که بشریت هنوز از ستم می برد و هر روز قدرت زر و زور بر حقیقت بیشتر می چربد و همچنین علی رغم این قدرت های ابلیسی و ضد انسانی که در حال گسترش است و زوال ناپذیر می نماید، جبراً حقیقت محکوم بر واقعیت باطل، ولی حاکم، پیروز می شود و ما منتظر و مؤمن چنین روزی و چنین واقعه ای هستیم و چون خداوند به صراحت وعده پیروزی اسلام را در قرآن داده: «لیظهره علی الدین کله»، و

ص: ۵۴

نویسد داده که توده های ضعیف و مردم جهان را پیشوایان بشریت خواهد کرد و زمین را به آنها خواهد بخشید و محرومان وارث قدرتمندان و زر پرستان خواهند شد. و می بینیم که نشده است، در تحقق آن شک داریم، هر چند همه عوامل تاریخی و اجتماعی موجود به نابودی حق و ضعف روز افزون جبهه عدالت گواهی دهند.

این تضاد میان «واقعیت باطل حاکم» و «حقیقت نجات بخش محکوم» را جز «انتظار» به پیروزی جبری و قطعی حقیقت نمی تواند حل کند...

... انتظار مثبت به معنای نفی وضع موجود در ذهن آدمی و در زندگی و ایمان انسان منتظر است و اگر این انتظار را ملت محکوم از دست داد محکومیت را به عنوان سرنوشت محتومش برای همیشه خواهد پذیرفت. اگر منتظر تغییر نباشیم، آنچه در حکومت علی صورت گرفته و یا آنچه در کربلا-اتفاق افتاد، برایمان پایان داستان است و دیگر عکس العملی در طبیعت و تاریخ و هستی و زندگی بشر نخواهد داشت، این اعتقاد، هم بر خلاف ایمان به حقیقت، و هم بر خلاف مصلحت زندگی فرد در جامعه انسان مسؤول است.

ستم ها، جنایت ها، ظلم ها همه داستانی و حادثه ای نیمه تمام در تاریخ بشر است، این داستان به سود عدالت و حقیقت و به زیان ستم و فساد و پلیدکاری پایان خواهد پذیرفت...

... انتظار جبر تاریخ است. این مسأله برای روشنفکران که با مکتب‌ها و فلسفه‌های علمی تاریخ‌آشنایی دارند بی‌نهایت شورانگیز است.

من که در این گوشه‌ای از زمین و این لحظه از تاریخ منتظرم تا در آینده‌ای که ممکن است فردا یا هر لحظه دیگر باشد ناگهان انقلابی در سطح جهانی به نفع حقیقت و توده‌های ستمدیده روی دهد که من نیز در آن باید نقشی داشته باشم و این انقلاب... با پرچم و شمشیر و زره و یک جهاد عینی با مسئولیت انسان‌های معتقد به آن است...

هر کس این سؤال به ذهنش می‌رسد که امام زمان، این رهبر نجات بخش انتهای تاریخ، چگونه می‌تواند بر جهان پیروز شود؟ در این جا امام صادق علیه السلام یک توجیه بسیار عمیق و کاملاً جامع‌شناسانه و تاریخی دارد که: «قدرت‌های ستمکار و قطب‌های جنایت و ظلم بقدری با هم خواهند جنگید که در نیرو و قدرت فرسوده می‌شوند و بقدری از درون به فساد خواهند رفت که مقاومت‌شان را از دست می‌دهند و آنگاه شما از بیهوشی و خواب خرگوشی بیدار شده و چون مسلح به نیروی ایمان و آگاهی هستید بر آن قدرت‌های از درون پوسیده و از برون فرسوده پیروز می‌شوید» و این پیروزی بر اساس منطق و عینیت و سنت‌های اجتماعی است، سنت‌هایی که در اسلام قوانین خداوند است نه قوانین ماتریالیستی.

وقتی خداوند کاری را بخواهد، اسبابش را فراهم می‌کند... من در اینجا

معتقدم که تاریخ به طرف پیروزی جبری عدالت و نجات قطعی انسان ها و توده های ستمدیده و نابودی حتمی ظلم و ظالم می رود... اعتقاد به این جبر قطعی که تاریخ به نفع عدالت تمام می شود و سرنوشت نوع بشر در زمان، به نفع پیروزی جامعه مشترک و زندگی مشترک انسان ها ختم می شود، که خود یک «انتظار» است، بزرگترین عاملی است که ستمدیده ها و استثمار شونده ها را نیرو و ایمان می بخشد و به پیروزی سرنوشت خودشان و طبقه خودشان و منفجر شدن نظام استثمار حاکم بر زمان شان امیدوار می کند و این ایمان قطعی نه تنها آنها را بی مسؤولیت و منفی و لش بار نمی آورد بلکه، درست بعکس، نیرو و قدرت و اطمینان به آنها می دهد و همچون سلاحی است که اراده عدالت خواهان و امید ستمدیدگان را به آینده بیشتر کرده و آنها را در این راه مجهزتر و متحرک تر می کند. در این اعتقاد به انتظار، کسانی که زیر بار ستم و ظلم له می شوند و آنها که می بینند حقیقتشان بازیچه ستمکاران و دین شان وسیله ابزار دست ضد دین گشته مایوس نمی شوند و مطمئنند اراده خداوند نیز که همان جبر تاریخ و همان نظام سنت تاریخی است به عنوان قانونی همچنان که در طبیعت است در تاریخ هم به سود پیروزی سرنوشت او، فکر او، راه او، و نجات نوع و طبقه او جاری است و بنابراین عوامل ضد تاریخ انسان و ضد عدالت و خائن به سرنوشت بشریت مظلوم، نمی توانند در برابر این جبری که محکومیت و

مرگ آنها را امضا کرده و پیروزی حقیقت و عدالت و مردم را اعلام نموده، مقاومت کنند و یا اثری بگذارند.

چه، مشیت الهی که به شکل قانون علمی در طبیعت و در تاریخ حاکم است و «تقدیر الهی» که به شکل «تقدیر علمی» تجلی دارد، تحقق نهایی رسالت پیامبران را که استقرار حکمت «آگاهی» و قسط «برابری» است و انسان (رستگاری، رهایی از همه عوامل ضد انسانی) هدف رسالت است، «مقدر» کرده و پیروزی مستضعفان زمین و حتی روی کار آمدن و به دست گرفتن رهبری جهان و حاکمیت بر تمام زمین را برای این طبقه تضمین نموده و با صراحت و قاطعیت اعلام می کند که در این تنازع تاریخی و نبرد جاری در طول زمان، بقای صلح، نتیجه نهایی و اجتناب ناپذیر است و زمین را _ که منبع تولید، اقتصاد و حاکمیت و قدرت است و موضوع اصلی جنگ طبقات _ نسلی تصاحب خواهد کرد که شایسته ماندن است: و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر، ان الارض یرثها عبادی الصالحون...

انتظار، به بشر آینده گرایی و بینش بزرگ می دهد، اما بشر امروز در نظام پلید مصرفی انتظار را از دست داده و فقط منتظر اتوبوس ایستاده است.

(انتظار یعنی)... تسلسل و وحدت تاریخی. انتظار _ به این عنوانی که در تشیع هست _ سه دوره را به هم متصل می کند: دوره اول، نبوت و دوره دوم، امامت و پس از آن غیبت است که در آن، نه نبوت وجود دارد و نه امامت

منتظر، هم از لحاظ فکری و هم از نظر عملی و مادی... انسان آماده ای است که هر لحظه احتمال می دهد شیپور انقلاب نهایی نواخته شود و او خود را مسؤول شرکت در این جهاد که بر اساس قوانین جبری الهی قطعاً آغاز خواهد شد می داند و خود به خود هم آماده است، هم متعهد، و هم مجهز و هر شیعه به امید شنیدن آواز امام سر بر بستر می نهاد.

... آن انقلاب جهانی و پیروزی آخرین، دنباله و نتیجه یک نهضت بزرگ عدالتخواهی علیه ظلم در جهان است، و در طول زمان، نهضتی که یک دوره، نبوت رهبریش کرد و بعد از خاتمیت، امامت و سپس در دوران طولانی غیبت، علم.

... اعتقاد به انتظار، اعتقاد به این است که وعده خداوند در قرآن برای مسلمانان و همچنین ایده آل هر انسان ستمدیده و آرزوی همه توده های محروم تحقق پیدا خواهد کرد و جامعه بی طبقه، بی ستم، بی ظلم، بی تزویر و جامعه ای که در آن انسان، عدالت، قسط، و حقیقت برای همیشه حاکم خواهد بود، و هرگز بازیچه ستمکاران و فریبکاران نخواهد شد، علی رغم همه عاملان نیرومند مسلح فساد و ظلم پیروز می شود.

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵)

می بینیم «انتظار» یک نوید و عامل خوشبینی تاریخی است، عامل توجیه وراثت مبارزه، تسلسل تاریخی، جبر تاریخی، ایمان به عدالت و پیروزی حقیقت و ایمان به نابودی قطعی ستم و ظلم و پلیدی در سرنوشت انسان و ایمان به این که تاریخ در زندگی بشر بر روی همین زمین و پیش از مرگ، نه در قیامت و پس از مرگ، به پیروزی ستمدیدگان و نابودی ستمکاران منتهی خواهد شد.

منتظر، انسان متعهدی است که هر لحظه در انتظار انفجار قطعی نظام های ضد انسانی است و همواره خود را برای شرکت در چنین انقلاب جهانی و بدر دومی که با شمشیر علی و زره پیغمبر و به دست فرزند پیغمبر و علی برپا می شود، آماده می کند.

و بنابراین، انتظار مذهب اعتراض و نفی مطلق نظام حاکم و وضع موجود است، در هر شکلی، انتظار نه تنها از انسان سلب مسؤولیت نمی کند، بلکه مسؤولیت او را در سرنوشت خودش و سرنوشت حقیقت و سرنوشت انسان، سنگین، فوری، منطقی و حیاتی می کند.^(۱)

ص: ۶۰

۱- [۱] انتظار مذهب اعتراض، دکتر علی شریعتی. با تلخیص.

انتظار، در اندیشه آیه الله شهید محمد باقر صدر

مهدی... یك الهام فطری انسانی است، که در برابر بینشهای... متفکرین جهان، روزگار درخشانی را مجسم می سازد... این الهام طبیعی و این شعور باطنی، که در افراد همه جوامع و ملل موجود است... از گسترده ترین و روشن ترین الهامات بشری است...

اثر وجودی این ایمان و باور، تنها این نیست که در مقابل ناامنی ها و پریشانی ها و دردها... انسان را تسلّی بدهد، و نگرانی های درونی را آرامش ببخشد، بلکه... در برابر... دل مردگی و ناامیدی که مظالم جنایتگران و تراکم ستم بیداد پیشگان... به وجود می آورد.

... ایمان به مهدی علیه السلام... عامل نیرو بخشی است که... امید به دنیای عدل و داد آینده، حسّ مقاومت و جنبش را در افراد به وجود می آورد و از

خاموش شدن مشعل انتقام که در سینه مظلومان برافروخته شده... و تند باد یأس و نومیدی با آن بازی می کند، جلوگیری می نماید.

... این شعور باطنی آمیخته با اعتقاد دینی، ثابت می کند که در روزگار آینده عدالت این توانایی را خواهد داشت که با یک جهانی مالا مال از ستم روبرو شود، و ارکان بیداد را منهدم سازد، و دنیایی از نو بنا کند. و هر اندازه ظلم و جنایت در اقطار جهان نیرومند گردد و بر... سرنوشت ها مسلط شود، آخر الامر باید روزی منهدم گردد، زیرا ستم یک موجود غیر طبیعی و نابودی آن حتمی است...

اسلام مهدی را... یک حقیقت واقعی موجود و پایدار و زنده ای معرفی می کند، که در هر آن، انتظار انقلابش را داریم، مهدی اسلام انسان معینی است، که در کنار ما با تمام وجودش زندگی می کند، و برای ما در همه این دردها، غصه ها و آتش تاخت و تازهای ستمگران... و سوز و گداز و بخش دردمندان... می سوزد و خود او هم در انتظار آن لحظه ای است که بتواند دستش را به سوی ستمدیده محروم... دراز کند، و ریشه ستمگران را از بُن بکند.

... اعتقاد به وجود مهدی... اندیشه عدم پذیرش ستم را به طور مطلق و

همیشگی... آن چنان به ما می بخشد، که این فکر را در سیمای درخشنده آن بزرگ رهبر ضد ستم آینده، مجسم می بینیم... رهبری که بزودی ظاهر می شود، و پیمان با هیچ ستمگری بر عهده او نیست، و در تمام طول عمر منقاد ظلم و جنایتی نشده است.

ایمان به او، ایمان به عدم پذیرش ستم، و یک نوع همگامی با او می باشد.

... انتظار فرج مهدی علیه السلام خود بزرگترین عاملی است که این اندیشه سازنده را تقویت می کند و ملت منتظر خود را متصل به رهبری می بیند که نابود کننده ستم است، لذا فکر نابودی ستم در مغز آن ملت زنده می شود، و همواره در چهره تیره بیداد، نیستی و انعدام را می بیند.^(۱)

ص: ۶۳

۱- [۱] انقلاب مهدی و پندارها / ۱-۱۰؛ سیدمحمد باقر صدر؛ ترجمه سیداحمد علم الهدی.

انتظار؟

در درون تاریکی ها و سردی ها، به دمیدن سپیده دمان چشم داشتن، و به امید طلوع خورشید زیستن...

در جهان آکنده از ستم و بیداد دست و پا زدن و از شادمانی طلوع طلیعه جهان آکنده از داد و دادگری سرشار بودن؟...

در برابر کوه مشکلات زمانه قرار گرفتن، و چون کوه مقاوم بودن...

شمشیرها و شهادت ها را پذیرا شدن و خط ها و شهادت ها را پاس داشتن؛ این است انتظار، شعار شورآور منتظران، مقاومان، پایداران... شیعیان، مهدی طلبان تاریخ...

انتظار، آفاق مقاومت

... عدالت آفاقی و... انفسی، کمال بشریت است و همواره موانع (درونی و برونی) بر سر راه آن بسیار است... بشر کمتر موفق شده است تا... عدالت

ص: ۶۴

جامع را به چنگ آورد...

منتظران مهدی علیه السلام... در طلب... تحقق عدالت جامع... عدالتی که پیامبران خواسته اند انتظار آنان هر چه به طول انجامد و هر چه آفاق مقاومت در راه این آرمان بزرگ گسترده باشد، بجاست...

انتظار، دعوت به حماسه و اقدام

نباید پنداشت که انتظار ظهور... به گونه ای، موجب از دست هشتن حرکت های اصلاحی، و حماسه های دینی و اجتماعی است... انتظار... نپذیرفتن باطل، ستم، بردگی و ذلت... و درفش بنیادگر مقاومت است، در برابر هر ناحقی و هر ستمی و هر ستمگری... شیعه، با حضور در حوزه «انتظار» یعنی، انتظار غلبه حق بر باطل... داد بر بیداد... علم بر جهل... خرد بر سبکسری... تقوا بر گناه... آگاهی بر کوربینی، همواره آمادگی خود را برای مشارکت در نهضت های پاک و مقدس تجدید می نماید و با یاد تاریخ سراسر خون و حماسه سربازان فداکار تشیع، مشعل خونین مبارزات عظیم را بر سر دست حمل می کند.

انتظار، نام قائم و قیام

ملتی که منتظر پیشوایی است که بیاید و ستمگران را براندازد، و از جمله القاب این پیشوا «قائم» است، و انسان منتظر هر گاه این نام را

ص: ۶۵

می شنود، قیام می کند، اینگونه ملتی و امتی را چگونه برخی به قعود... سوق داده... و برخی می خواهند، به لذت پذیری سوق دهند.

آمادگی افراد، در هر آن، برای «قیام» و مبارزه و جهاد، در راه تحکیم عدالت جهانی، و حفظ حقوق انسان ها واجد اهمیتی بسزاست. شیعه منتظر _ بلکه هر مسلمان _ در عصر غیبت، باید همواره دارای چنین هدفی باشد، و در راه تحقق آن، به وسایل گوناگون بکوشد...

انتظار، ابعاد عقیدتی مکتب

در این انتظار... شکوهمند، ابعاد استوار مکتب نیز حضور دارد، هم ابعاد عقیدتی و هم ابعاد عملی.

الف. بُعد توحید

انتظار، در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه... خدای جهان... می کند... منتظران چشم به راه «مهدی» هستند. مهدی... بنده خدا... که به قدرت خدا زنده است... توجه به خدا و طلب فرج از درگاه خدا، از مهمترین اصول این اعتقاد است... منتظران باید همیشه، روی دل به سوی خدا کنند و از پیشگاه لایزال، طلب گشایش و فرج نمایند.

ص: ۶۶

ب. بُعد نبوت

انتظار، توجه به... مکتب پیامبران و تجدید عهد با آنان است... منتظران، چشم به راه کسی هستند که در او صفات و آثار پیامبران گرد

آمده است... هر کس دوست دارد، آدم و شیث و نوح و ابراهیم و موسی و محمد صلی الله علیه و آله وسلم را ببیند می تواند آنان را در مهدی ببیند.

او می آید تا آرمان پیامبران را تحقق بخشد، و تا دین خدایی را بگستراند، و ندای توحید را به همه سوی ببرد.

مهدی، از اهل بیت پیامبر است. او فرزند فاطمه، علی و حسین است... نخستین اصحاب او ۳۱۳ تن خواهند بود، به شماره اصحاب پیامبر در جنگ «بدر». پیامبر اکرم،... درباره او بسیار سخن گفته است.

ج. بُعد قرآن

... مهدی زنده کننده همه احکام قرآن است. انسان منتظر، همواره این آرمان را در دل زنده می دارد، که روزی با ظهور... مهدی... قرآن در سراسر جهان حاکمیت یابد، و... برنامه زندگی... گردد.

د. بُعد امامت

... مهدی، وصی صدیقین، و خاتم ائمه طاهرین است. امامان پیشین، یکایک او را یاد کرده اند. او فرزند آنان، و یادگار ایشان، و ادامه دهنده راه

ص: ۶۷

آنان است. مهدی، مظهرِ قائم جاری امامت است... و انتظار ظهور او، بزرگترین تأکید است بر اصل اعتقادی امامت و رهبری.

ه. بُعد عدل

... انتظار مهدی، انتظار ظهور عدل است، عدل جهانی... مهدی...

تحقق والای عدل است. اوست که جهان آکنده از بیداد را آکنده از داد می سازد، و عدل خدایی را در همه جا و همه سو سرایت می دهد.

ز. بُعد معاد

... در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد»، و بازگشت مسئولانه به نزد خداوند، همواره حضور دارد. این حضور در سه جهت نمودار است:

... مهدی علیه السلام به هنگام ظهور، ستمگران را کیفر می دهد، و ظالمان را به سزای اعمال خود می رساند، و مؤمنان را عزیز می دارد...

... به هنگام ظهور مهدی علیه السلام گروهی از پاکان و پلیدان به جهان باز می گردند...

... از علائم حتمی فرا رسیدن رستاخیز، ظهور مهدی علیه السلام است تا او نیاید عمر جهان به سر نمی رسد، و قیامت برپا نمی گردد.

... بدینسان می نگریم که «انتظار» شاخص مُنَوَّر ابعاد عقاید حقه است.

ص: ۶۸

یاد کردیم که انتظار... حافظ ابعاد عقیدتی مکتب است... در اینجا، به چند بُعد، از ابعاد عملی اشاره می‌کنیم:

الف. بُعد دینداری

از ویژگی‌های انسان منتظر، دینداری است... انسان، در دوران غیبت، باید با مواظبت بیشتر، به امر دین خود و... صحت اعمال خود پردازد، و از هر گونه سستی، انحراف... دوری‌گزیند... و در خط صحیح قرار گیرد...

ب. بُعد پارسایی

انسان منتظر حکومت علی وار مهدی... علاوه بر تدین و تقوی، باید پارسا باشد، و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد، بسازد و بدارد، و به او و یاران او شباهت به هم رسانده تا _ به لطف خدا _ در شمار آنان به حساب آید...

ج. بُعد تقید مکتبی

یکی از ابعاد مهم، در فلسفه عالی تشیع، تقید دقیق به مکتب و خط مکتب است... تولی و تبری همین است. متابعت عاشقانه از حق و رهبر حق و مخالفت خصمانه با ناحق و رهبر ناحق.

این... صلابت اعتقادی... از ویژگی‌های رهروان راه سرخ تشیع پایدار

علوی است...

انسانیت، و رعایت ارزش انسان، تنها و تنها در تعالیم علی و آل علی جلوه گر است، و انسان آگاه از این تعالیم فدایی این راه است، و دشمن هر راه دیگر... و انسان منتظر مهدی... چنین است...

د. بعد امر به معروف و نهی از منکر

... رضا و خشنودی مهدی علیه السلام در آن است که «معروف» عملی شود، و «منکر» ترک گردد. بنابراین، انسان منتظر، نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد.

بزرگترین امر کننده به معروف، و نهی کننده از منکر، در روزگار ظهور، خود مهدی علیه السلام است. پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودی مهدی را نخواهد، و در این بُعد، به مهدی اقتدا نکند...؟ شاخص مهم این اقتدا، امر به معروف و نهی منکر... و خروش داری برای اقامه احکام خدایی است.

ه... بُعد اخلاق اسلامی

... انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد، و جامعه منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد... شیعه باید با رفتار انسانی... همواره مایه زینت و افتخار... ائمه طاهرین باشد، نه مایه ننگ آنان... و این رعایت، در دوران غیبت امام... واجب تر است.

ص: ۷۰

امر... بسیار مهم... امر آمادگی نظامی در عصر انتظار است... مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی... داشته باشد، تا به هنگام طلوع طلایع حق، به صف پیکار گران رکاب مهدی علیه السلام بیوند، و در آن نبرد بزرگ... حماسه آفریند... و حضور فعال داشته باشد...

انتظار، دوران تکلیف حساس

... غیبت، جریان بسیار عمیق، و انتظار، جریانی بسیار سازنده و مهم است. دوره غیبت و انتظار از یک جهت، مانند مدتی است که معلم از کلاس خارج می شود... تا بنگرد که شاگردان در غیاب او چه می کنند؟ و درباره تعالیم و تکالیف خود چسان رفتار می نمایند. انسان منتظر، باید همواره مراقب خود باشد، و در علم و عمل بکوشد، و بداند که معلم... هر لحظه ممکن است برسد... باید همیشه در حالی باشد که رضایت کامل خاطر معلم را فراهم آورد.

دوران انتظار، دوران تکلیف است... و آن تکلیف... نگهبانی دین خداست، در سطح فرد، و در سطح اجتماع...

انتظار، نگهبانی ایمان

... یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ، در روزگاران... انتظار،

حفظ دین و نگهبانی مرزهای عقیدتی است...

لازم است فروغ ایمان، و نور یقین... همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد...

لازم است جان و دل... نوجوان... در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد...

لازم است ایمان، جزء وجود آنان... باشد... چون خون، همه وجود آنان را گرم کند، و چون روح، جوهر حیات آنان باشد.

لازم است سعی شود تا ایمان اعتقادی، با ایمان عملی در آنان، اتحاد یابد، و... در زندگانی آنان حضور قاطع بیابد.

در... عصر انتظار، ممکن است شبهه‌هایی در ذهن برخی بیاید، یا شیاطین پنهان و شیاطین آشکار، به سست کردن پایه‌های اعتقادی... جوانان برخیزند، باید در برابر این شبهه‌ها مقاومت کرد، و آنها را از ذهن‌ها... زدود. همچنین مسائلی، در روند زمانه، و پیدا شدن افکار بروز می‌کند، که ممکن است ظلمت‌های فکری بیافریند، و به ایمان‌ها زیان برساند، باید در برابر این... مسائل نیز پایدار بوده... و در رد و رفع آنها، و روشن کردن پوچی آنها، به کوشش برخاست.

... نگهبانان میراث قرآنی و فرهنگ تربیتی اسلامی، باید در برابر همه این تهاجمات پایداری کنند، و به تناسب هر مورد، به دفع این زیان‌ها و خطرهای پردازند... حفظ و گسترش اعتقاد دینی، و شناخت درست اعتقادی و عملی... در روزگار متصل به ظهور، مفیدتر، بلکه لازم‌تر است... و این

بدان علت است که تنها دارندگان عقیده و عملند که در مسائل و حوادث پیش از ظهور گم نمی شوند، و دچار تردید نمی گردند... تا به هنگام ظهور مهدی... اعتقاد صحیح و عمل صالح، در مردم منتظر حفظ گردد.

در احادیث... از اهمیت ایمان، در عصر غیبت، به گونه هایی عجیب یاد شده است، و منتظران مؤمن، دارای مقام و منزلت شمشیر زنان در رکاب پیامبر دانسته شده اند... پیامبر... آنان را برادران خود خوانده است. همچنین از نظر خردمندی، و بصیرت و اعتقاد و اخلاص، مورد ستایش بسیار قرار گرفته اند. دل های منتظران مؤمن... چونان قندیل های روشن توصیف شده است.

انتظار، عدل و احسان

... منتظران ظهور دولت حق... که... در انتظار حکومت عدل جهانی به سر می برند، باید پیوسته، نمونه عدل و عدل طلبی باشند، و این چگونگی را نشان دهند، باید جامعه آنان، نمونه آن عدل و دادی باشد که از آن دم می زنند، و منتظر ظهور ابعاد کلی و جهانگیر آن باشند.

انتظار، شناخت و موضع

... شناخت در منطق اسلام،... «شناخت نظری» و... «شناخت عملی» هر دو را در بر می گیرد. هر عقیده ای که انسان در هر باره ای دارد باید از

روی شناخت... باشد، و هر فعلی و ترکی که از انسان سر می زند، باید بر پایه شناخت و تشخیص باشد.

این مسئله، در عصر غیبت، بیشتر از وقت های دیگر اهمیت پیدا می کند. در این روزگار، شناخت عقاید و افکار، موضعگیری ها و اعمال، اهمیتی ویژه می یابد. و همین داشتن «شناخت صحیح» است که از کوشش در عبادات و مستحبات افضل است...

این شناخت، در دو مرحله، تبلور می یابد...

الف: تحمل و پایداری

هنگامی که انسان، حق و راه حق را بدرستی شناخت، در آن راه پایداری می کند، و در برابر شداید و مشکلات... بردباری به خرج می دهد، و به هیچ گونه، دست از راه حق خود بر نمی دارد...

بدینگونه انسان عصر غیبت، باید دارای... بصیرتی درخشان باشد، تا بتواند اعتقاد حق را حفظ کند... انسان منتظر باید بداند انتظار چیست؟ و برای چیست؟ او منتظر کیست؟ و ظهور مقدمه چه اموری است؟

ب: پیروی از خط ممتد رهبری

... امامان تأکید کرده اند که در عصر غیبت به آداب و احکام دینی خود... عمل کنید و خط اعتقادی و عملی خویش را با استواری... نگاه دارید، تا

ص: ۷۴

ظهور فرا رسد، و پیشوای... شما، از غیب، به درآید...

انتظار، تمرین و ریاضت

... احادیث ما... می گویند: باید در انسان منتظر، روح پارسایی، پایداری، زهد و بی نیازی، قدرت و مردانگی، شهامت... سلحشوری، به وفور وجود داشته باشد. انسان منتظر، باید این خصلت ها را در خویشتن پدید آورد و پرورد، و به اصطلاح... یک فرد... انقلابی... باشد. هیچگونه ضعفی... و علایقی نباید شخصیت صخره سان انسان منتظر را دستخوش قرار دهد... دولت جهانگیر عدل، باسانی، تشکیل نخواهد یافت... باید آماده بود... درد آشنایان، به همراهی آن پیشوا... به پا می خیزند، و... ابرقدرتان و نیروهای آنان را... از میان برمی دارند و خود مانند محرومترین محرومان زندگی می کنند... تا محرومیت را از جهان بردارند، و تا انسانیت را به جهان بازگردانند.

انتظار، بسیج عمومی

... انتظار، یک بسیج عمومی است. مکتب تشیع... در عصر انتظار، پیروانی می خواهد همیشه آماده، و همواره در سنگر...
... آماده از نظر قدرت های ایمانی و روحی، نیروهای بدنی و سلاحی، تمرین های عملی و نظامی، پرورش های اخلاقی و اجتماعی، و

ص: ۷۵

... و همواره در سنگر، سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، با سستیهای تکلیفی، با فتورهای موضعی، سنگر مبارزه با ذلت پذیری و استعمار زدگی، مبارزه با... ستم و تبعیض و استثمار و انحراف...

این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است... در احادیث... رسیده است که انتظار فرج نیز، فرج و پاره ای از فرج... بلکه افضل اعمال... است... انتظاری که به اندازه خود فرج اهمیت دارد... نمی تواند امری ساده، حالتی بی تفاوت، و روزگاری خالی از تعهد و شور باشد... اگر جامعه منتظر، چنان که باید باشد باشد، و انسان منتظر، انسان تراز مکتب و تراز انتظار باشد، انتظار نیز به منزله فرج است...

انتظار و ضد انتظار

... انتظار منتظر، نمی تواند به نام «صبر»، خواص اعتقادی و عملی، و آمادگی های نظامی و اقدامی را... از کف بنهد، و از حالت حضور تکلیفی انتظار، به حالت غیاب تکلیفی درآید، و ضد انتظار گردد. انسان نمی تواند به نام انتظار، ظلم را... قبول کند، و زیر بار ظالم و حکومت ظالم برود... آنچه در پاره ای احادیث رسیده است که عجله نکنید، و در این کار شتاب نداشته باشید... به همان معنای عجله نکردن در رسیدن دولت حقه جهانی مهدی علیه السلام است. چون این عجله چه بسا باعث شود که کسانی

تحمل... خویش را از دست بدهند، و آهنگ تاسیس همان حکومت جهانی مهدوی بکنند... و این امر شدنی نیست. زیرا که تاسیس دولت جهانی واحد الهی... ویژه دوران همان ولی الله اعظم است و بس.

همچنین شتابداری ممکن است باعث شود که برخی از مردم که به حکمت غیبت و انتظار و اسرار الهی توجه ندارند، دچار ناامیدی گردند...

...

...

...

خلقی که در انتظار ظهور «مصلح» است، باید خود «صالح» باشد

... شیعه مهدی همان شیعه آل محمد است،... همان منتظران، همانان که پیش از قیام مهدی نیز، اقتدای به مهدی می کنند...

آیا خلقی که اقتدای به مهدی علیه السلام کند، جز «خلق صالح» تواند بود... روشن گشت که انتظار، چه تعهد بزرگ، و چه تکلیف عظیمی است... چه خودسازی ها، و چه آمادگی ها می طلبد...

پیدا است که جهان مقارن ظهور، آکنده است از فساد... و تباهی... در میان این جهان آکنده از ستم... و مملو از گناه و فسق... که همه جا را تاریکی... تجاوزها... و تطاول ها و عدوان ها گرفته است، و مردمان... از... اسرار عالم بیخبرند و غافل، و از دین خدا... دورند... آن دسته... که به خدا مؤمنند... و خود را اهل دین می شمارند، و امام غایب ناظر بر کردارها را باور

دارند... جزء جوهر اصلی دینشان «عمل صالح» است، و خود... شب و روز چشم براهند، تا آن امام برسد، و جهان را... به صلاح بازآورد، و پیوسته... آن امام مصلح را می طلبند، این چنین قومی... نباید منحرف و غرق در فساد... و ستم به یکدیگر باشند... اگر باشند، خلاف منطق «انتظار مصلح» است. بلکه چنین قومی باید خود صالح باشند، و پیش از ظهور مهدی نیز به او اقتدا نمایند... و به نشر صلاح و عدل در همه جهان، خود پایند باشند...

چنین قومی باید خود «صالح» باشند، تا با «مصلح» سنخیت داشته باشند... و چون مصلح ظاهر شود، بتوانند در کنار او قرار گیرند...

آری، روزی گروهی از مردم جهان به... رهبری مهدی موعود علیه السلام وارثان زمین... خواهند شد، اما چه کسانی؟ صالحون؛ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱) پس «خلقى که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد، باید خود صالح باشد» (۲).

ص: ۷۸

۱- [۱] سوره انبیاء / آیه ۱۰۵.

۲- [۲] خورشید مغرب / ۲۵۷-۳۳۴، محمدرضا حکیمی؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، با تلخیص.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

